شناخت جنبشهای اسلام گرا در آسیای مرکزی و قفقاز

شناخت جنبشهای اسلام گرا در آسیای مرکزی و قفقاز

دلاور محمد پور

بسم ا الرحمن الرحیم

مقدمه:

هنوز سرزمینهای مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز زخمهای قرار گرفتن در خط مقدم برخورد دو نیروی قدرتمند تاریخ را کهنه نکرده است. زمانی رهبران روسیه مدعی بودند که تمدن غرب و اروپا مدیون روسیه است چرا که همچون سپری در مقابل تهاجم همه جانبه تمدن اسلامی ایستاده ومانع پیشروی مسلمین به اروپا شده ودر این میان خود تلفات بسیاری داده وغرب را وادار کرده است. اما این روی سکه نیز دیدنی است که مردم سرزمینهای سربه فلك کشیده قفقاز ودشتهای پهناور آسیای مرکزی مانع لشکرکشیهای روسها حامل پرچم وتمدن غربی به قلمرو مسلمانان در شرق گردیده اند. آری تاریخ قفقاز وخراسان بزرگ برخورد نمایندگان تمدن غرب وتمدن شرقی است.

در حال حاضر بخشی از مسلمانان قفقاز و آسیای مرکزی همچنان در زیر چکمه های سلطه طلبان روسیه کشته می شوند; از سرزمینهایشان رانده ودر زیر بمباران قرار می گیرند. باهمه این احوال هویت آنها استوار باقی مانده وجنگ وستیز برای محو هویت آنها ادامه دارد; چرا که ستیز بی امان چچنها وداغستانیها در قفقاز ومبارزه مستمر ازبکها وتاجیکها در آسیای مرکزی منطقة را فراگرفته وروسیه را با معضل بزرگ مواجه کرده است. وجود جریانی چنان ریشه دار در مجاورت ج.ا.ایران در منطقة راهبردی یاد شده برای ما بسیار مهم بوده ریشه یابی تحولات وخیزشها را ضروری می نماید.

در نوشتار حاضر سعی بر این است جوانب گوناگون از لحاظ تاریخی، جغرافیای، تعلقات ریشه ای، سیر دگرگونی وتنوع جریانات مقاومت مورد بررسی قرارگیرد و تاحد امکان جوانب امور روشن وبه شفافیت امر جهت اتخاذ موضوع واظهار نظر نزدیك شود.

به علت ویژگیهای خاص موضوع از قبیل تازه وسریع الوقوع بودن وقایع، وموانع سیاسی وبه نظر دیگر برخورد با امنیت ملی و.... اطلاع وآگاهیهای یقین آور بسیار کم بوده ویا نیست، لذا در برخی از بخشهای بحث، فقط به حلقه های مرکزی موضوع نزدیك شده ایم اما جواب صریح بدست نیامده است. جهت روشن شدن صور مختلف موضوع به فرصت بیشتر احتیاج است.

در تهیه مطلب حاضر، دوستان وهمکاران بسیاری مساعدت کرده اند. حتی در ترسیم سطوح مناطق مورد بحث، مکتوباتی ارایه دادند ودر تهیه فیش، بریده جراید و مقالات ذیربط مدد رساندند که از آنها تقدیر وتشکر می شود. بویژه آقایان پورمانی وحاج قنبر که در جمع آوری مآخذ نقش اساسی داشتند. همچنین از آقای رمضانی کارشناس حوزه آفریقا، آقایان جعفری و اکبری رایزنهای سابق ج. ا. ایران در تاجیکستان وازبکستان برای ارایه نظرات واطلاعات سپاسگزار هستم.

حوزه جغرافیایی موضوع:

کشورهایی که پس از سپری کردن دهه های متمادی با شوروی، (همان وارث روسیه تزاری) اکنون جدا شده اند، و بعنوان سرزمین مسلمان نشین شناخته می شوند مورد بحث قرار خواهد گرفت. این منطقه شامل دو قسمت است. آسیای مرکزی که کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان وقزاقستان را در بردارد. قفقاز که کشور آذربایجان وجمهوریهای خودمختار ومنطقه های خودمختار وابسته به روسیه در آن واقع شده اند. اگر چه ارمنستان وگرجستان نیز در قفقاز واقعند لیکن چون کشور مسلمان نشین نیستند در تقسیم بندی یادشده نمی گنجند.

تمام واحدهای سیاسی واقع شده در حوزه جغرافیایی مشخص شده کم ودر بیش درگیر جریان خیزش هویت اسلامی هستند. اما جمهوری خودمختار داغستان وابسته به جمهوری فدراتیو روسیه وجمهوری چچن که بطور یك جانبه اعلام استقلال کرده وبعد از جنگ با روسیه از این کشور جدا شده، همچنین در آسیای مرکزی جمهوریهای تاجیکستان ازبکستان بویژه منطقه دره فرغانه که بین جمهوریهای تاجیکستان، ازبکستان وقرقیزستان واقع شده است، بیشترین تحرکات را داشته اند وعمده درگیریهای منجر به بحران را بخود اختصاص می دهند.

جریان تاریخی موضوع:

مناطق مسلمانان نشین درکشمکش دراز مدتی به مرور زیر سلطه روسیه تزاری در آمدند. قزاقستان در قرن هیجدهم، خیوه، سمرقند، بخارا، تاشکند طی سالهای 1865 تا 1876 توسط روسیه تصرف شدند. در اواخر قرن نوزدهم تاجیکستان، در سال 1881 ترکمنستان و1876 قرقیزستان به اشغال روسها درآمد. در منطقه قفقاز، بخش جنوبی وقسمتی از بخش شمالی طی قراردادهای گلستان وترکمانچای در سالهای 1812 و1828م و بخش

شمالی (داغستان وچچن) در سال 1859 زیر سلطه تزارهای روس قرارگرفت.

پس از استیلای روسها، مبارزات مسلمانان از شکل بازدارنده به مرحله رهایی بخش تغییر هدف داد وهیچگاه صحنه آن سرزمین خالی از رویارویی، اعتراض ومبارزه اسلام گرایان با روسها ـ چه تزاری وچه بلشویکی ـ خالی نبود. اگرچه گاهی ظاهراً آرامش برقرار می شد لیکن جنبشهای زیر زمینی فعال بودند ویا با چهره و وجهی دیگر اقدام می کردند.

اشاره به برخی از ریشه های جنبشهای دینی مسلمانان منطقه، پیش نیاز درك اوضاع فعلی میباشد. ریشه های اصلی این مقاومتها به رهبران طریقتهای صوفیه برمی گردد. طریقت نقشبندیه، قادریه، کبرویه در ابتدا وطریقتهای دیگر منطقه ای مثل یسوی، ویس حاجی، چیم میرزا در ادامه بارزترین حرکت های ضد بیگانه ودر عین حال اسلامگرایانه را رهبری کردند.

امام منصور شیخ طریقت نقشبندیه در قفقاز شمالی در سال 1785 و زمان سلطنت کاترین دوم بر علیه روسها قیام کرد که تا 1791 ادامه یافت ([1]).

در دهه دوم از قرن نوزدهم، بخشهای جنوبی منطقه قفقاز شمالی با اعلام جهاد توسط شیخ محمد افندی از طریقت نقشبندیه برای روسها ناامن ومیدان مبارزه شد. بعد از وی از سال 1844 تا 1859 رهبری دیگر از همان طریقت صوفیه به نام امام شامیل، قفقاز شمالی به ویژه داغستان وچچنستان را از دست روسیه خارج کرد ومدت 35 سال در مقابل روسها به مبارزه پرداخت. این مرحله بنام «نهضت مریدی» در تاریخ ثبت شده است ([2]).

جنگجویان مسلمان قفقاز و رهبر آنان «امام شامیل» تحسین تاریخنگاران معاصر را برانگیخته بود. الکساندر دوما در سفر به قلمرو فرمانروایی امام شامیل، در گزارشی که به پاریس فرستاد نوشت: «شامیل اعجوبه ای است که علیه کلیه فرمانروایان روسیه جنگید».

لارماکس، شامیل را دمکرات بزرگ نامیده است. پوشکین، لومانتف وتولستوی، بزرگان ادبیات کلاسیك روسیه که در جنگهای قفقاز شرکت داشتند، این جنگها را محکوم وبا مدافعان کوه نشین ابراز همدردی می کردند ([3]).

پوشکین شاعر نامی روس چنین می سراید:

فرزندان سربلند قفقاز

شما می جنگیدید، به طرز فجیعی نابود می شدید.

نه خون، نه جوشن، نه کوهها، نه اسبهای تندرو

ونه عشق خروشان شما به آزادی، شما را نجات دادند ([4]).

لرمانتوف دیگر ادیب روس چنین می نویسد:

قفقاز، ای سرزمین دور افتاده

سرزمین آزادیهای ساده

توهم انباشته از بدبختی هستی

وقامت از جنگ خونین شده است...

وی در شعر دیگری چنین می گوید:

آزادی ـ خدای آنهاست; جنگ ـ قانون آنهاست...

آنجا شکست دادن دشمن جنایت نیست

آنجا دوستی صادقانه است، اما انتقام صادقانه تر است;

آنجا پاداش نیکی به نیکی وخون به خون است;

ونفرت هم مثل عشق بی حدود وحصر است ([5]).

داغستان وچچن مجدداً در جریان انقلاب اکتبر 1917 دست بکار قیام شدند وباز هم در 1921 سرکوب شدند. در همین ایام ملت کوه نشین قفقاز شمالی جمهوری خودمختار کوهستانی تشکیل دادند لیکن آنها توسط حکومت شوروی متلاشی شدند ([6]).

اقوام قفقاز شمالی بویژه چچنها و اینگوشها در سالهای جنگ دوم جهانی بار دیگر دست به شورش زدند. برای همین پس از سرکوب، عده زیادی از آنان به مناطق دور دست وآسیای مرکزی تبعید شدند. بین چهارصد هزار تا چهار صد وپنجاه هزار تن «چچن»، صد هزار تا صد و پنجاه هزار تن «اینگوش» هشتاد وپنج هزار تن اهالی «قراچای» وچهل وپنج هزار تن اهالی «بالکار» شامل این تبعید شدند که 20 تا 30 در صد این عده در جریان کوچ بر اثر شدايد، سرما وگرما، گرسنگی وتشنگی جان باختند ([7]).

قیام «باسماچیان» در آسیای مرکزی ومنطقه فرغانه به مرور از سال 1917 توسعه یافت جایگاه مهمی برای جذب تمام نیروهای با شهامت وشهادت طلب شد.

باسمچیان که نخستین بار در دهه شصت قرن نوزدهم در نواحی متصرفی روسیه در آسیای میانه، ترکستان، بخارا وخوارزم به وجود آمده بود، فعالیت خود را از سر گرفت وبا عنوان «سپاه اسلام» به مقاومت ادامه داد. در این برهه دو سازمان «شورای اسلام» و«شورای علما» فعالیتهای سیاسی قیام را اداره می کردند. باسماچیان (سپاه اسلام) در برابر ارتش سرخ مقاومتهای رشادتمندانه ای نشان دادند وتنها قسمتهایی از این ارتش تا پایان سال 1926 همچنان به جنگ ادامه داد ([8]).

قیام باسماچیان نیروهای باقی مانده از قیام «دوکچی ایشان» را که در سال 1898 به پا خواسته بودند، همراه خود کرده بود ([9]).

وجه دیگر مبارزات مسلمانان جنبه سیاسی داشت. بعنوان مثال در سالهای 1905 ـ 1904 کلیه مناطق مسلمان نشین روسیه تزاری اقدام به تشکیل کنگره اسلامی کردند. اولین کنگره مسلمانها تشکیلات سیاسی تحت عنوان «اتفاق المسلمین» را بنیان نهاد که هدف آن ایجاد وحدت میان کلیه مسلمانهای روسیه بود. کنگره، مسلمانان روسیه را ملت واحدی قلمداد می کرد که به لحاظ جغرافیایی به چند دولت تقسیم شده وبه سه زبان رسمی تکلم می نمایند.

1 ـ دولت تاتار ـ باشقیر در منطقه ولگای وسطی به زبان تاتار ولگایی

2 ـ ترکستان متحد وقزاقستان که ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان وتاجیکستان را نیز در بر می گیرد وبه زبان ترکی جغتایی تکلم می کنند.

3 ـ قفقاز مسلمان که شامل آذربایجان، داغستان ومرکز شمالی قفقاز که به زبانی ترکی آذری اشتراك

دارند([10]).

همزمان با انقلاب اکتبر 1917 مجدداً چنین کنگره ای بوجود آمد. در ماه می 1917 اولین کنگره تشکیل شد. تشکیل شورای مسلمانان، طرح تشکیل واحدهای نظامی ملی مسلمانها، استقرار نظام آموزشی واحد برای مسلمانها از جمله تصمیماتی بود که اتخاذ شد. در ژوئیه 1917 مجدداً تأسیس واحدهای نظامی مسلمانان تاکید ویك شورای نظامی نیز تشکیل شد. علاوه بر آن کنگره یك دولت موقت مسلمین بوجود آورد و اداره ملی موظف شد موجبات تشکیل مجلس ملی مسلمین را فراهم آورد. زمانی که بلشویکها قدرت را در 20 نوامبر 1917 بدست آورند، این اقدام نیز به نتیجه رسیده بود لیکن طولی نکشید که به سرعت موجبات انحلال آن را فراهم کردند.

دیگر بعد فعالیتهای مقاومتی مسلمین، تحرکات فکری و فرهنگی بود; یکی از بارزترین این اقدامات «نهضت جدیدی» است. اگر چه سرمنشاء نهضت در منطقه تاتارهای ولگا قرار داشت لیکن تأثیر بسزایی بر متفکران مسلمان قفقاز گذاشت.

فعالیتهای جدیدیها موجب شد مسلمانان جان بیشتری بگیرند بطوری که در سال 1905 بر اثر این فعالیتها مسلمانان روسیه 000/25 مسجد، 000/50 روحانی و هزاران موسسه آموزشی داشتند ([11]).

الگوهای فکری اسلام گرایان

درمیان مسلمانان شوروی سابق ویژگیهایی از قبیل تعلق به یك حکومت ـ روسیه تزاری وسپس شوروی ـ موجب بود آمدن وحدث تاریخی، قرابتهای فرهنگی وعلایق متقابل، منافع مشترك، نهادها وسازمانها ورهبران مشترك فرهنگی سیاسی شده است. همچنین تعلق آنها به یك دین واکثراً به مذهب حنفی بر زنجیره علایق فوق استحکام بخشیده موجب ریشه دارتر و هدفدارتر شدن ارتباط این سرزمینها شده است.

برای همین آبشخور فکری واحد برایشان بوجود آمد. با نظر به سوابق تاریخی ملاحظه می شود که ابتدا صوفیگری از منطقه آسیای مرکزی اوج می گیرد و به قفقاز رسیده آنجا را نیز تحت تأثیر می گذارد. ولیکن انتقال اندیشه صوفیگری پس از مدتهای مدیدی این بار به هنگام کوچاندن چچنها واینگوشها به قزاقستان وشمال آسیای مرکزی، در پایان جنگ دوم جهانی به این بهانه که با لشکر آلمان نازی بر علیه حکومت شوروی همکاری کرده اند، توسط چچنها به قزاقستان وشمال آسیای مرکزی راه پیدا می کند. وجود دیگر مراکز تولید اندیشه مشترك دینی، همچون شهر «غازان» مرکز تاتارستان و«اوفا» مرکز باشقیرستان در اواخر قرن نوزدهم، آنگاه حوزه های دینی سمرقند، بخارا و تاشکند; بر ایجاد وحدت رویه فکری و دینی اثر گذاشته اند. در ادامه تایید همان پرامترها می بینیم حزب نهضت اسلامی قبل از فروپاشی شوروی سابق در جمهوری روسیه بوجود می آمد وشاخه های آن در جمهوریهای مسلمان نشین تشکیل می گردد. فعالترین شاخه آن که در تاجیکستان است، به قدرت سیاسی دست پیدا می کند و در برخی جمهوریها به شکل نیروی سیاسی قدرتمند واپوزیسیون فعالیت می کند.

دیگر منشاء مشترك فکری، نهضت باسماچیها در آسیای مرکزی ونهضت جدیدی بویژه در منطقه تاتارستان وباشقیرستان می باشد که هر کدام ضمن تأثیر بر عموم منطقه، بر بخشی از حوزه ها اثر بیشتری گذاشته اند.

علاوه بر منابع ایجاد الگوهای فکری ذکر شده که بعضاً هم اکنون نیز اثر گذارند باید از منابع جدیدتری همچون وهابیت، انقلاب اسلامی، پاکستان، اسلام گرایی عربی غیر وهابی نیز نام برد. در زیر به مهمترین منابع الگوهای فکری اشاره می شود.

1 ـ طریقتهای صوفیه:

به هیچ وجه نمی توان سرزمینهای مسلمان نشین منظور نظر را از تأثیرات تاریخی صوفیگری خالی تصور کرد. گستردگی در حوزه جغرافیای، نفوذ در لایه های وسیع مردم واستمرار تأثیر گذاری بر پایداری نقش رهبران صوفیه صحّه گذاشته است. ظهور و رشد طریقتهای نقشبندیه، قادریه، یسویه، کبرویه و حتی انواع بومی آن با رهبران بنیانگذاری همچون طریقت «بطل حاجی» در اینگوش، طریقت «چیم میرزا» در چچنستان پس از جنگ دوم جهانی و طریقت «ویس حاجی» بطور سازمان یافته ایی شکل وتوسعه یافته اند.

در تمام مراحل تاریخی مبارزات مردم مسلمان طریقتهای صوفیه دارای نقش عمده و رهبری بوده اند. مبارزات مردم داغستان توسط امام شامیل در سالهای 1834 تا 1859. مبارزات مردم داغستان، چچن واینگوش به رهبری صوفیان چیم میرزا، فعالیت طریقت انشعابی از یسویه در قزاقستان به نام «ساچلویاچشتیه» (گیسودراز) در سالهای آخر دهه 1920، قیام امام منصور در قفقاز شمالی در سال 1783 وادامه آن تا 1943 توسط امامان طریقت نقشبندیه، شاهدان چنان ادعایی است که ذکر شد.

بطور کل نظام مریدیسم در جمهوریهای مسلمان نشین به ویژه قفقاز شمالی بسیار ریشه دار است که از نظام آموزشی طریقتهای صوفیانه سرمنشاء داشت.

به نوشته کتاب «مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده» بر اساس آخرین بررسیها جامعه شناسهای شوروی بیش از نیمی از مسلمانهای معتقد جمهوری چچن ـ اینگوش عضو یکی از سلسله های صوفیه می باشند، لذا می توان گفت در حال حاضر تعداد اعضای سلسله های صوفیه میان 000/150 تا 000/200 نفر است. در حالی که در 1926 منابع شوروی تعداد آنها را در میان چچنها 000/60 ودر میان اینگوشها 000/10 نفر تخمین زده اند. طریقتهای صوفیه به یکی دو فرقه کوچك ـ نقشبندیه و قادریه ـ محدود نمی شوند بلکه بنا به بررسیهای اخیر قبل از فروپاشی توسط شوروی سابق هر یك سازمانهایی توده ایی می باشند که صدها هزار سر سپرده دارند که این سرسپردگان نسبت به سالهای پیش از انقلاب اکتبر افزایش زیادی داشته اند ([12]).

در باره نفوذ صوفیگری کتاب «مسئله اقلیتهای ملی در شوروی» در صفحه 153 می نویسد:

صوفیگری که ایدئولوژی آن به شکل مریدیسم در قفقاز و باسماچیسم در ترکستان با عنوان «طریقت» نضج گرفت واز آن پس پایگاه اجتماعی صوفیگری گسترده تر شد، نه تنها روستاییان و کارگران صنعتی بلکه روشنفکران نیز در آن شرکت جستند.

روزنامه اکونومیست تحت عنوان مقاله ای به نام «هرج ومرج در قفقاز» می نویسد: «شمال قفقاز از معدود مناطق در اتحاد شوروی بود که اعتقادات اسلامی هنوز در آن، تقریباً قدرتمند محسوب می شد. سنت صوفیگری به خوبی قادر بود که در شرایط نیمه مخفی به حیات خود ادامه دهد.

.... آتازلگین ـ از کارشناسان روس در زمینه مسایل اسلامی ـ می گوید که ک.گ.ب چیزهای زیادی درباره جمعیت اخوت صوفیان می دانست، اما به این نتیجه رسیده بود که امحاء این طرز تفکر به دلیل ریشه عمیقی که در بطن جامعه داشت، میسر نیست.» ([13])

بنابر اطلاعات واصله همچنان مرشدان صوفیه در آسیای مرکزی وحتی تا حدودی در شبه قاره هند نفوذ و قدرت فراوان دارند. درحال حاضر «ابراهیم گل» مرشد صوفیان نقشبندیه است.

تصوف در ترکمنستان نیز که به عقب ماندگی وبه وجهی ـ تعصب کور وکرآیینی ـ مشهور بوده اند جایگاه

مهم وتاریخی دارد. مشایخی بزرگ همچون خواجه یوسف همدانی، ابو سعید ابو الخیر، گوزلی آتا صاحب منزلت، دارای مریدان و پیروان فراوانی بوده اند. همچنین از «قربان میراث» می توان نام برد که از مشایخ نقشبدیه بوده و در قیام بر ضد روسیه در سال 1881 نقش اساسی داشت ([14]).

بطور کل جنگ مشهور ترکمنها در مقابل روسیه تزاری که به جنگ مقاومت «گوگ تپه» شهرت دارد توسط رهبران دینی بویژه مشایخ صوفیه رهبری شد.

به نوشته کتاب ماهیت تحولات در آسیای مرکزی وقفقاز پیش از انقلاب اکتبر 1917 حکومت روسیه کوشید تا در مقابل تصوف پنهان یا اسلام سرسخت (بر خلاف اسلام قابل رویت) ایستادگی کند و از ساخت مساجد حمایت کرد([15]).

پس از فروپاشی شوروی تحرکات مسلمانان بیشتر شد. تاجیکستان، ازبکستان، چچن وداغستان شاهد بیشترین جنبشهای دینی شدند. در تاجیکستان رهبران نهضت از پیروان مشی صوفیانه بودند. نگارنده که خود در آغاز خیزش مسلمانان تاجیکستان دراین کشور حاضر بوده وبا رده های مختلف رهبریت حزب نهضت اسلامی تماس فکری و مشاوره ای بر قرار کرده بود. شاهد جایگاه مرشدگونه رهبران روحانی نهضت در نزد مردم بود، بطوری که وی را بی چون وچرا همچون سبك صوفیانه مرید ومرشدی تبعیت می کردند. در منطقه فرغانه که مابین سه جمهوری ازبکستان، تاجیکستان وقرقیزستان واقع شده لیکن فرهنگ، ملیت وزبان ازبکی در آن حاکمیت دارد وفعالیت اسلامگرایان به شدت توسعه یافته ومنطقه ناامن برای حکومت ازبکستان شده است رگه های اندیشه صوفیانه حکم فرما می باشد. در منطقه قفقاز شمالی نیز همانگونه پیشتر اشاره رفت نفوذ طریقتهای منظور نظر بی چون وچرا بوده والبته باگرایشات دیگر اسلامی در آمیخته است که مورد بحث قرار خواهد گرفت.

2 ـ نهضت جدیدی:

مسلمانان مناطق تاتارستان وباشقیرستان (ولگای وسطی) بیشترین اثر را از حرکت جدیدی گرفتند. روشنفکران مسلمان مناطق یاد شده در اواخر قرن نوزدهم برای خالص کردن اسلام از خرافات وکج اندیشیها اقدام به ایجاد حرکتهای دینی در قالبهای روز کردند. بعنوان مثال اقدام به تشکیل مدارس به سبك امروزی یا آموزش علوم دیگر به همراه علوم دینی کردند; به ترجمه قرآن وچاپ آن مبادرت کردند وحرکتهایی که با نوع اسلام متحجر وابسته به امرا وخانات گوناگون مناطق اسلامی مغایرت داشت، روی آوردند.

شخصیتهایی همچون ابو نصر کرسوی (1814 ـ 1783)، شهاب الدین مرجانی (1889 ـ 1818) از بزرگترین رهبران حرکت بودند. مرجانی بزرگترین وموفقترین عالم تاتار به نوعی تقلید محتاطانه از غرب معتقد بود مشروط بدانکه حوزه نفوذش محدود بوده و تمامیت معتقدات اسلامی محفوظ باشد. مرجانی تأثیر عمیقی بر اسلام روسیه گذاشت.

گروهی از متفکران تاتار وقرمی وقفقاز در پی گیری راه او مسئله عقب افتادگی علمی و فنی و سیاسی اسلام را مورد توجه قرار دادند وسعی کردند در اصلاح دینی راه حلی بر آن مسائل بیابند. در این راستا متفکرانی دیگر رشد کردند که توانستند اسلام روسیه را از تاب وتوان جدیدی برخوردار سازند. ([16])

هنوز هم برخی کلاسهای قرآن وعربی که نهضت جدیدیها تشکیل می داد در مسکو دایر است ([17]).

3 ـ روحانیت وابسته به حاکمیت:

کاترین دوم در سال 1788 یك مرکز استفتاء مذهبی بنام (مجمع روحانی محمد «ص») ایجاد کرد. پس از آن در مناطق کریمه در سال 1831 وماوراء قفقاز در سال 1872 سه مجمع روحانی راه اندازی شد. از آن تاریخ به بعد در قالب همین مجامع و سپس در ادارات دینی در سراسر روسیه و سپس شوروی سابق روحانیون وابسته به حکومت به تبلیغ وترویج اسلام در چهارچوب سیاستهای حکومت مرکزی پرداختند.

علاوه بر سازمانهای فوق، آسیای مرکزی در دوره تزاریسم خود دارای نهاد دینی بود که مفتی ها تصمیم گیرندگان آن بودند و امرای خانات مهم، همچون بخارا، خوقند وغیره نظرات مفتیان را در اجرای احکام نافذ می دانستند. باید توجه داشت که در این برهه امرای آسیای مرکزی خود را به حکمرانان دولت عثمانی وابسته می دانستند که مدعی خلافت بر مسلمین جهان بودند.

بدین ترتیب هر دو نوع روحانیت حکومتی در واقع محافظه کار در حفظ منافع حاکمان بوده اند چه حاکمان و امرای خانات آسیای مرکزی و چه حاکمان تزاریسم و شوروی سابق.

با توجه به ماهیت مبلغین اسلام حکومتی توقعی از آن برای ایجاد موج وجنبش اسلام گرایی نمی رود.

4 ـ اندیشه اسلامی اعراب:

نفوذ مسلمانان عرب در منطقه، جوانب گوناگونی دارد. همه عوامل در نفوذ برخی فرق اعراب مسلمان به آسیای مرکزی وقفقاز مؤثر افتاده است که به برخی از موارد اشاره می شود.

قرار گرفتن مکه ومدینه ـ سرزمین وحی و ظهور اسلام ـ در کشور عربستان سعودی جذابیت کشور مذکور را به تقدیس نزدیك می کند. برابر با اسلام دانستن فرهنگ سرزمینهای عربی از عواقب مقدس محسوب شدن آن است. در طول تاریخ درگیری مذهبی با شیعه که از حکومت صفویه به این سو تشدید شد، موجب گردید به ویژه در جمهوریهای آسیای مرکزی وابستگی به دنیای اهل تسنن بیشتر مورد توجه قرارگیرد وخود را به خلیفه مسلمین ـ که البته مرکز آن در استانبول بود ولی بر تمام سرزمینهای مقدس مکه ومدینه مسلط بود ـ ملحق بدانند.

علاوه بر موارد یاد شده مهاجرت مبارزان مسلمانی که در مقابل تزاریسم وشوروی سابق ایستادگی کرده بودند به کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی موجب بوجود آمدن اقلیتی از این اقوام در سرزمینهای عرب گردید که بعدها پایگاهی برای تأثیرگذاری بر سرزمین پدری شد.

وجود مراکز آموزشی اسلامی مهم همچون الازهر مصر و مراکز دیگر در کشورهای عربی موجبات جلب داوطلبین، طلاب وعلمای دینی برای کسب تحصیلات دینی در سطوح عالی می شد. حتی در دوره شوروی چون برخی از کشورهای عربی همچون سوریه مصر، لیبی در بلوك شرق قرار داشتند لذا بصورت رسمی داوطلبین تحصیل دینی به مراکز علوم اسلامی این کشورها اعزام می شدند.

همچنین حضور اعراب در منطقه وتاسیس مراکز آموزشی ـ خدماتی در این جمهوریها کانونهای نفوذ واثرگذاری مؤثر دیگری شده اند. مراکز آموزشی بویژه در داغستان بسیار فعال هستند که بیشتر به وهابیون وابسته می باشد.

پس از اینکه حضور اعراب در منطقه مسلم دانسته شد باید بین گرایشات متعدد فکری اعراب مسلمان که پای به سرزمین شوروی سابق نهاده اند تفکیکی قایل گردید. در این رابطه وهابیت وگرایشات دیگر مسلمانان دنیای اعراب مطرح می شود.

1 ـ 4 ـ وهابیت:

روزنامه «لوموند دیپلماتیك» در مهر ماه 1377 (اکتبر 99) نوشت: «... هزاران مبلغ خارجی دیگر، بویژه از پاکستان وهمچنین سازمانهای وابسته به عربستان سعودی چون سازمان اسلامی «طیبه» وبنیاد «الابراهیم» در داغستان حضور دارند...» ([18]).

گزارشها واخبار متعددی درباره حضور وهابیان در منطقه وجود دارد که شاهد حضور فرقه مذکور است. در سال 1374 عربستان سعودی شروع به احداث کرسی مطالعات اسلامی در دانشگاه مسکو کرد. رئیس دانشگاه از تلاش شاهزاده نایف بن عبد العزیز برای این امر قدردانی کرد و گفت: کرسی مطالعات اسلامی یك تریبون آکادمیك برای مطالعات اسلامی ـ عربی به شمار می رود و قرار است کارشناسانی که در مطالعات اسلامی وتمدن عربی تخصص دارند برای انجام این مطالعات تعیین شوند.([19])

در تابستان 1373 چند دوره علمی ـ تخصصی برای 450 تن از ائمه جماعات، مبلغین ومسلمانان علاقمند و فعال در روسیه وفرانسه توسط عربستان سعودی برگزار می شود. ([20]) در سال 1371 عربستان سعودی با تسلط به مرکز فرهنگ اسلامی روسیه با صرف مبلغ حدود 20 میلیون دلار اقدام به احداث ساختمان جدید این مرکز شامل مسجد، مدرسه و اقامتگاه نمود و در آوریل سال 1992 سفیر این کشور بعنوان رئیس مرکز انتخاب شده است. اقدام به ایجاد مدرسه علوم دینی در مسکو با همکاری دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود ریاض وتشکیل کلاسهای کامپیوتر در مسکو با ظرفیت 600 تن از گروههای مختلف اسلامی، دیگر فعالیت وهابیون است. در روسیه چهار گروه سعودی از قبیل «رابطة العالم الاسلامی»، «الطیبه» و«الابراهیمی» فعالیت دارند. ([21])

در گزارش دیگری نمایندگی سیاسی ج. ا. ایران در مسکو اظهار می دارد; رئیس دانشگاه اسلامی داغستان که وابسته به اداره دینی این جمهوری خودمختار است به نمایندگی سیاسی مراجعه و اظهار داشت که عربستان سعودی در داغستان وهابیت را توسط اشخاصی که تحت عنوان استاد و مدرس ارسال می کند تبلیغ می کند; حتی افرادی را شناسایی وجهت تحصیل به سعودی اعزام می کند. مدرسه ای با 250 دانشجو بوجود آورده اند که علاوه بر تعلیمات مذهبی از نظر مادی نیز دانشجویان را تأمین می کنند. با توجه به وضعیت مالی ضعیف داغستان وعدم اطلاع مردم از وهابیت متأسفانه اقدامات بعمل آمده با موفقیت روبرو می شود. وی تقاضای کمك مالی و آموزشی به دانشگاه اسلامی داغستان نمود. در حال حاضر 450 دانشجو در این دانشگاه تحصیل می کنند. ([22])

شیخ محمدی نماینده سابق صدا و سیمای ج. ا. ایران در مسکو تاکید می کند. براساس گزارشها وآمار رسمی دولتی، همینطور اظهارات وافشاء مجامع ومقامات مذهبی توسط عوامل سعودی و پاکستانی وهابیت در داغستان به شدت فعالیت می کند.

فعالیتهای وهابیون و ارتباط آنها با گروهایی همچون طالبان در افغانستان و بنیادگرایان دیگر موجب شد مرکز رابطة العالم الاسلامیه عربستان سعودی در مسکو تعطیل و به یکی از جمهوریها منتقل شود. طبق اظهارات شیخ محمدی، وهابیون آنقدر در روسیه وشهر مسکو نفوذ پیدا کرده بودند که در مسجد «تاریخی» این شهر غیر وهابیون درتنگنای حضور و ادای فرایض دینی قرارگرفته بودند.

نشانه های وهابیون حتی در جمهوری شیعه نشین آذربایجان نیز وجود دارد. به گزارش روزنامه «سحر» چاپ باکو یك انجمن وهابی وابسته به عربستان سعودی با کمك مصر در بخش «آغداش» این جمهوری یك مدرسه دایر کرده است. معلمین از ترکیه و مصر آمده اند. همچنین در همان بخش مسجد بزرگی احداث میشود که یکی از مؤسسین اظهار میدارد هزینه احداث را در طول ده سال کار در کشورهای عربی تهیه کرده است. در مراسم افتتاح مسجد یك تبعه اردن که خود را از اعضای جمعیت بین المللی اسلامی معرفی می کرد، حضور داشت. وی تأکید کرد که جمعیت مذکور از سوی عربستان سعودی تأمین مالی می شود.([23])

وهابیون در منطقه شمالی جمهوری آذربایجان، محلی که ساکنان لزگی وسنی مذهب دارد و با جمهوری داغستان همجوار می باشد فعال هستند. روزنامه آزادی چاپ باکو در هفتم مهر ماه 1378 (29 سپتامبر) گزارش داد در مناطق شمالی دوتن وهابی با کتابهایی که این فرقه را تبلیغ وترویج می کند، بازداشت وبه ده روز زندان محکوم شدند.

طبق اظهارات جعفری رایزن فرهنگی سابق ج. ا. ایران در تاجیکستان وهابیگری در تاجیکستان نفوذ کرده است چرا که بخشها و افرادی از حزب نهضت اسلامی با عربستان سعودی رابطه دارند. بنظر ایشان طالبان وهابی نیز در تاجیکستان مؤثر واقع شده اند و در واقع حزب نهضت اسلامی تاجیکستان در حال تقسیم شدن به دو قسمت است; نیروهای نظامی و غیر فکری و غیر استراتژیستها از طالبان تأثیر بیشتری می گیرند.

اکبری رایزن فرهنگی سابق ج. ا. ایران در ازبکستان ضمن متأثر دانستن رهبران دینی واسلام گرایان ازبکستان ـ همچون جمعه نمنگانی ـ از طالبان، نفوذ مالی و بکارگرفته شدن کمك پولی وهابیون در بین اسلام گرایان را زمینه بوجود آمدن نفوذ فکری این فرقه در بین مسلمانان فعال بر می شمرد.

«نجم الدین کاملف» معاون فرهنگستان ساختار دولتی و اجتماعی ازبکستان طی مقاله ای در روزنامه «خلق سوزی» در 14/1/77 (سوم آوریل 1998) پس از حمله به وهابیون می نویسد: وهابیت می خواهد از فرهنگ هزار و پانصد ساله اسلام چشم بپوشد و میراث دهها دانشمند مشهور مانند امام بخاری، غزالی، ابوحنیفه، سمرقندی، ابو نصرفارابی، برهان الدین مرغلانی، الفرغانی، نوایی، جامی، الغ بیگ، نقشبندی و دیگران را نادیده بگیرد و توصیه می کند کتاب آنها را بسوزانیم. آثار نوایی را به دلیل محتوای صوفیانه، بدعت و خرافات می خواند و بطور کل آثاری که محصول عقل و تفکر انسان است، رد می کند... مثلاً ترغیب می کند که قبور گذشتگان خود را زیارت نکنیم..

در ترویج وهابیت، ازبك تبارهای عربستانی نیز که دارای ثروت قابل ملاحظه ای هستند، بطور فعال مشارکت دارند.

ادموند هرزیك در کتاب «ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق» در خصوص نفوذ وهابیون می نویسد: در تاجیکستان... بیشتر، دانشگاهیان ایران فعال بوده اند نه روحانیون یا نیروهای اسلامی. شاید به این خاطر که مخالفین تاجیکستان سنی هستند و بیشتر در صدد جلب حمایت افغانستان، پاکستان و عربستان سعودی بوده اند... ایران همچنین در احداث مساجد در سراسر آسیای مرکزی سهیم بوده و... اما می توان گفت در مقایسه با کشورهایی همچون عربستان سعودی فعالیت ایران ناچیز بوده است.

رژیم سعودی تلاش نموده است با دلارهای نفتی حضور خود را در این منطقه گسترش دهد. برای مثال در یك اقدام بی سابقه یك کمك یك میلیارد دلاری به این منطقه گسیل داشته ودر یك فقره دیگر هفت میلیون دلار به تاشکند اعطا کرده است و نیز دو کامپیوتر عظیم عربی زبان به تاجیکستان بخشیده و در باکو نیز هزینه احداث یك مرکز اسلامی به مقدار 300 هزار دلار را تقبل نموده است.([24])

خبر دیگر حاکی است در سال 1371 از داغستان شش هزار زائر حج به عربستان سعودی اعزام می شود که این تعداد نصف تمام زائران کشورهای مستقل مشترك المنافع را تشکیل می دهد... فهد پادشاه عربستان سعودی

مخارج تمام 12 هزار زائر این کشورها را بعهده گرفت.([25])

وهابیت در ترکمنستان نیز نفوذ ملموس دارد. البته بعلت سطح پایین رشد فکری، دامنه نفوذ دینی در جامعه این جمهوری وسیع نیست و هیچگونه حرکت نهضتی و اعتراض از سوی هیچکدام از گرایشات اسلامی از جمله وهابی در این کشور مشاهده نمی شود لیکن بسیاری از علمای این جمهوری تعلقات فکری به وهابیت پیداکرده اند که در نوع خود جای بحث جداگانه ای دارد.

2 ـ 4 اعراب غیر وهابی:

در دوره شوروی سابق فارغ التحصیلان مدرسه دینی تاشکند وبخارا جهت تکمیل علم به کشورهای عربی همچون سوریه، لیبی و مصر اعزام می شدند. بنابراین بصورت سنتی آبخشور فکری برای این قبیل طلاب و عالمهای دینی فراهم می شد. دانشگاه الازهر مصر قبله گاه بسیاری از روحانیون این کشورها است.

هم اکنون نیز تعدادی همچون دوره شوروی در بخش ویژه طلاب و دانشجویان جمهوریهای مستقل مشترك المنافع در این دانشگاه در حال تحصیل هستند. به گفته رمضانی کارشناس فرهنگی کشورهای عربی، در کشور لیبی 120 دانشجوی کشورهای شوروی سابق در «کلیة الدعوة الاسلامیة» در حال تحصیل علوم دینی هستند. طبق توافق مفتی اعظم سوریه در سفر به روسیه که حدود شش ماه پیش تحقق یافت; مقرر شد حدود 550 طلبه از جمهوریهای منظور نظر به جامعه ابوالنور (انستیتو ابوالنور) جذب و تحت نظر «دکتر

کفتارو» مفتی اعظم سوریه تحصیل کنند. این مرکز باید آموزش ضد شیعه و ضد وهابیت بدهد. همینطور حدود هشتاد دانشجوی دینی نزد «عبد الطیف فرفور» رئیس آکادمی اسلامی دمشق سوریه کسب علم می کنند.([26])

«دکتر رمضان البوطی» یکی دیگر از شخصیتهای علمی در سوریه که بعنوان رهبر اخوان المسلمین این کشور شناخته می شود در دروس عمومی خود که در مسجد «دن کز» و «جامع الادیان» برگزار می کند با استقبال فراوان تا حدود 600 تن طلاب حوزه شوروی سابق مواجه است. آنها متن سخنرانی را همچون آیات قرآن حفظ می کنند، گویا «البوطی» از طرف کشور مغرب حمایت مالی می شود و نوعی تصوف و مشربهای عرفانی را ترویج می کند. ایشان استاد دانشکده الهیات وهمچنین یك چهره تلویزیونی است. بنابر اظهارات رمضانی بیشتر دانشجویان و طلاب علوم دینی کشورهای مسلمان نشین شوروی سابق پس از استقلال به سوری راه یافته اند وعلاوه بر تعداد ذکر شده در بالا، دوازده تن نیز در دانشکده الهیات «کلیة الشریعة» تحصیل می کنند.

مسلمانان جمهوریهای یادشده همچنین برای حضور اتباع اعرب در مراکز آموزشی شوروی سابق با آنها و اندیشه هایشان آشنا می شدند. به علت اینکه بسیاری از کشورهای عربی همچون سوریه، مصر و لیبی متحد شوروی محسوب می شدند لذا تبادل دانشجو و استاد برقرار می کردند. ناخواسته از این راه افکار دینی و اسلامی نیز رواج می یافت; بعنوان مثال حضور فردی به نام «اسامه» بعنوان دانشجو از حزب «تحریر» اردن در ازبکستان قبل از فروپاشی شوروی، موجب نشر اندیشه حزب التحریر.([27]) در این جمهوری و بویژه دره فرغانه می شود که اکنون یکی از کانونهای اسلامگرایی می باشد. اسامه با علما و شخصیتهای فعال مسلمان دره فرغانه ارتباطاتی بر قرار کرده بود و کتابهای متعلق به اندیشه حزب التحریر همچون «الخلافة الاسلامیة» و.... را که هنوز هم میان اسلام گرایان دست به دست می شود; در میان مسلمانان منتشر کرده بود.

«مسکونیوز» می نویسد: ... دیگر خواندن عبارات یا مطالبی از طریق اینترنت در مورد بنیادگرایان بین

المللی کافیست. این جنبش، جنبشی است که به آن حزب آزادیبخش اسلامی (حزب التحریر) می گویند، همین حزب در سال 1952 در فلسطین آغاز به کار کرد که اکنون در اغلب اوقات به خاطر رهبری یا طراحی کردن عملیات تروریستی در کشورهای خاورمیانه و ازبکستان متهم می شود.([28])

5 ـ انقلاب اسلامی ایران:

نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در این جمهوریها قابل چشم پوشی و کتمان کردنی نیست. رابطه رهبران حزب نهضت اسلامی تاجیکستان با ج.ا. ایران بر کسی پوشیده نیست و درخواست رئیس دانشگاه اسلامی داغستان از ج.ا. ایران برای همکاری در مقابل وهابیون پیشتر مورد اشاره قرارگرفت. روابط نزدیك حزب اسلامی ج.آذربایجان با ج.ا. ایران کاملاً مثال زدنی. است همچنین خاطره درخواست کمك «جوهر دودایف» از ج.ا.ایران که به علت عدم موافقت، موجب گله چچنها شد فراموش نمی شود. آنها توقع حمایت و پشتیبانی از نظام اسلامی را برای خود بعنوان حق مسلم اسلامی محفوظ داشته بودند. همینطور در خواست تأسیس شعبه ایی از بنیاد فرهنگی هنری توسط جمهوری چچن توسط نماینده حکومت چچنستان در ایران در سال 76 به یاد ماندنی است. وقتی نماینده اعزامی چچنستان، جواب منفی از تهران دریافت کرد، گفته بود: «ما به هر ترتیبی این شعبه را دایر خواهیم کرد. اگر شما اجازه ندهید در عربستان به اینکار مبادرت می کنیم.».

آنها از لحاظ فکری و فرهنگی در خواست همکاری کرده بودند. در نامه در خواستی اظهار شده بود: علی رغم همه مخالفتها، دولت اسلامی ایران را بر اساس قرآن پایه گذاری کرده اید و این خود سرمشق و راهگشای همه کسانی است که می خواهند از طریق اسلام برادری و برابری همگانی را استقرار وتداوم بخشند و می کوشند هر مسلمان دیگر را برادر خود بدانند.([29])

«مراد زرگی شیف» نماینده و معاون کمیته امور مذهبی پارلمان روسیه در مقاله ای در روزنامه «نزاویسیا یاگازتا» چنین نوشت: «ما باید از دستاوردها و ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری

امام خمینی وتجربه مثبت آنها بهره برداری کنیم.» وی در ادامه با طرح این مسئله که حالا این سوال وجود دارد که روسیه و کشورهای مسلمان نشین جامعه کشورهای مستقل مشترك المنافع باید از ایران و یا ترکیه پیروی کنند، نوشت: ترکیه و ج.ا.ایران هر یك دارای ویژگیهایی هستند... پاسخ به سوال بالا این است که باید نکات مثبت نظامهای حاکم بر ترکیه و ج.ا. ایران را گرفت و آنها را در یکدیگر ادغام کرد.([30])

نفوذ انقلاب اسلامی در میان مسئولین رسمی ادارات دینی مناطق مسلمان نشین روسیه نیز ملموس است و ناچار نمی توانند انکار کنند. رئیس اداره روحانیون جمهوری مسلمان نشین باشقیرستان در کنگره مسلمانان روسیه طی مصاحبه با خبرنگار ج. ا.ایران اظهار می دارد: ایران الگوی اسلام واقعی است. انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) صفحات جدیدی در زندگی مردم کشور گشود که در آنها عمق اسلام به مسلمانان عرضه شده است.([31])

اگر چه سنی مذهب بودن اکثریت ملل آسیای مرکزی وقفقاز موجب فاصله بین آنها و ج.ا.ایران می شود اما به علل گوناگون و از جمله متأثر بودن ریشه ای از صوفیسم و طریقتهای سلسله های صوفیانه که به لحاظ مخالفت با وهابیت با شیعه همخوانی دارد. این امور زمینه ایی فراهم می کند که غیر وهابیها، طریقتها و اسلام گرایان انقلابی به ج. ا. ایران علاقه نشان دهند به همین دلیل و با توجه به اینکه نهضت اسلامی ازبکستان به رهبران نهضت اسلامی تاجیکستان دلبستگی و تعلق خاطر دارند لذا اندیشه اسلام ناب محمدی (ص) ج.ا. ایران در آن قلمرو نیز شنوندگان و خریدارانی پیدا می کند. چنانچه تأثیر انقلاب اسلامی ایران حتی در ظـاهر پوشش زنان مسلمان این کشور مشاهده می شود. به گزارش رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در 15/12/1376 در ازبکستان شبکه اول تلویزیون این کشور طی برنامه ای ضمن در خواست مصاحبه با همسر سفیر ج.ا. ایران از رواج حجاب به سبك ایران بین زنان ازبکستان سخن می گوید و در ادامه می افزاید که مردم از علماء و ما می پرسند: «ما که ایرانی نیستیم، پس چرا باید حجاب ایرانی داشته باشیم.».

6 ـ پاکستان:

پاکستان به طریق عواملی که شاید بتوان عوامل واسطه نامگذاری کرد در جریانات اسلام گرایی منطقه اثر می گذارد. این عوامل واسطه طالبان و گروههای غیر دولتی وهابی مسلك پاکستانی می باشند که دستشان برای فعالیت در منطقه بازگذاشته شده است. گاهی پاکستانی تبارها باگرایشات وهابی در زیر لوای وابستگان به عربستان سعودی فعالیت می کنند.

7 ـ طالبان افغانستان:

طالبان اعلام کرده اند تا سمرقند وبخارا جزو قلمرو آنها می باشد. آنها در میان بدنه نظامی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان رخنه کرده اند. چون طالبان ضد روسها می باشند لذا در بین اسلام گرایان جمهوریهای شوروی سابق نه اینکه مطرود نیستند بلکه محبوب نیز می باشند. از سوی دیگر اعزام نیروهای افغانی برای جنگ با غیر مسلمانان در جریان جنگ داخلی گرجستان، کمك به آذربایجان در جنگ قره باغ و حمایت از مبارزات مردم تاجیکستان زمینه نفوذ اندیشه گروههای افغانی به ویژه طالبان وهابی را فراهم کرده است.

8 ـ ترکیه:

این کشور سعی دارد با الگو قرار دادن نظام لائیك خود، منطقه را تحت تأثیر و نفوذ قرار دهد. لذا اگر چه به فعالیتهای آموزشی وسیع دست زده است و مراکز متعدد تحصیلی در سطوح متوسطه تا عالی به

سبك تركيه در سراسر اين جمهوريها راه اندازی كرده اما هدف آن به حركت درآوردن جنبش دينی نمی باشد و بلكه سعی دارد به ترتيب ذكر شده مانع چنين تحركاتی بشود. با بيان فوق خيزشهای اسلام گرايی حاضر ارتباطی به تركيه پيدا نمی كند.

«نقش آفرينان وعوامل جنبشها و در گيريهای كنونی مسلمانان»

التهابهای ايجاد شده در قلمرو سرزمينهای مسلمان نشين را می توان به اين ترتيب تقسيم بندی كرد كه برخی عوامل به مسائل اعتقادی ارتباطی ندارد و نوع دوم از اعتقادات دينی سرچشمه می گيرد.

1 ـ عوامل غير مرتبط با مسايل اعتقادی:

1 ـ 1 ـ استقلال طلبی و مخالفت تاريخی با روسيه:

يكی از عوامل خيزشهای تاريخی مسلمانان و ملی گرايان اشغال سرزمينشان به دست روسها است. استقلال خواهی از دير باز در هر فرصتی خود را نشان داده است. البته ويژگی استقلال طلبی در تمام انواع گرايشهای جنبشهای كنونی وجود دارد. مذهبيون، مليون وقوم گرايان همگی خواهان استقلال بوده و هستند. ليكن در همين بخش نيز بايد اذعان داشت كه هيچ گرايشی از محور اسلامی نمی تواند به دور افتد و به هر ترتيبی آميخته ای با تمايلات اسلامی خواهد داشت كه در جای خود مورد اشاره قرار خواهد گرفت ليكن در اينجا مصاحبه «جوهر دودايف» با روزنامه «تايم» بخاطر می رسد كه در جواب به سوال: آيا تهاجم روسيه باعث شده است مردم به اسلام روی آورند؟ پاسخ می گويد: البته بسيار زياد، آنها ـ روسها ـ سبب شدند ما بيشتر به اسلام روی آوريم. اگرچه ما در واقع آمادگی پذيرش ارزشهای اسلامی را نداشتيم، اكنون ما به نوعی از اسلام روی آورده ايم كه برای غرب خطرناك است.([32])

روزنامه اكونوميست در مهرماه سال جاری نوشت: «.... اما اين طرز تفكر (صوفيگری) در ميان طوايف كوه

نشین مغرور در چچن و داغستان یك رنگ و بویی به شدت ضد روسی یافته است. شیوخ صوفی طی زمان، همواره در موعظه های خود به این نکته اشاره نموده اند که یك مسلمان واقعی نمی تواند حکومت یك متجاوز خارجی را بر خود تحمل کند».([33])

خبر روزنامه اکسپرس چاپ باکو در 1377 نیز قابل توجه است. این روزنامه نوشت: «براساس اطلاعات دیگر در اوراقی که سازمان زیرزمینی وهابیون داغستان و قفقاز موسوم به جبهه آزادیبخش منتشر کرده اند روسیه بعنوان دشمن ملل قفقاز نامیده شده است».([34])

2 ـ 1 ـ اختلافات قومی، قبیله ای، رقابتهای گروهی و شخصی رهبران:

به ویژه ماوراء قفقاز با تعداد اقوام مواجه است. هر کدام از اقوام با آداب، رسوم و زبان قومی خویش خواهان مزایای بیشتر در تقسیم قدرت، منافع، امکانات و رهبری هستند. البته اینگونه اختلافات عمدتاً به درگیری داخلی منجر شده است لیکن گاهی نیز از مرزها فراتر می رود. بخشی از دلایل جنگ چچنها و روسها می تواند به همین وجه مربوط باشد. چرا که جناحهای داخلی برای کسب رهبری سعی می کند مقام اول مبارزه با دشمن خارجی را بدست آورد. اقدام «باسایف» در حمله به داغستان و سرپیچی از سیاستهای اصلان مسخدوف از چنین مواردی است. درگیری روسلان خازیولاتف رئیس سابق پارلمان روسیه که چچن تبار بود با جوهر دودایف، اختلاف اصلان مسخداف رئیس جمهوری فعلی چچن با سلیم خان یانداربایف رئیس جمهوری سابق و مورد اخیر آن اختلاف باسایف با مسخداف نمونه هایی از تناقضات و درگیریهای درونی از نوع قومی، گروهی و شخصی است.

3 ـ 1 ـ فقر و بحران اقتصادی:

ماوراء قفقاز دارای ثروت خوبی است. داغستان وچچنستان دارای صنایع و معادن نفت هستند. عبور خطوط انتقال انرژی از این سرزمینها بر موقعیت سودآور آنها می افزاید با همه اینها هم اکنون جزو فقیرترین مناطق روسیه می باشند.

80 در صد مردم داغستان در زیر خط فقر زندگی می کنند. 20 در صد جمعیت فعال از جمله 56 در صد از جوانان بی کار هستند و علاوه بر آن اکثر مشاغل فصلی است. امروزه به دلایل گوناگون کشاورزی داغستان نیز با بی توجهی مواجه شده که در نتیجه موجب نابودی تقریبی آن شده است. اقتصاد رسمی با کمتر از 30 در صد ظرفیت خود فعالیت می کند و 87 درصد بودجه این جمهوری از مسکو تأمین می شود.([35])

اوضاع جمهوری چچنستان نیز بهتر از داغستان نیست. بویژه پس از جنگ اول روسیه و چچن (75 ـ 73) امکانات جمهوری تا حد زیادی از بین رفت و وضعیت جنگی موجب گردید که تأسیساتی صنعتی و تولیدی از بین برود و یا اینکه از زنجیره تولید و توزیع سراسری شوروی سابق که مکمل همدیگر بود متلاشی شود. اکنون هشتاد درصد جمعیت چچن زیر فقر زندگی می کنند.

4 ـ 1 ـ آمریکا:

قفقاز حیاط خلوت روسیه است. امریکا در این منطقه در پی منافعی می گردد. دریای خزر پس از خلیج فارس و منطقه سیبری، بزرگترین مخازن انرژی را در خود جای داده. روسیه دخالت کشورهای بیگانه در خزر و قفقاز را تحمل نمی کند. امریکا برای متزلزل کردن منطقه اقوام، گروهها، کشورها و جمهوریهای حوزه یادشده را تحریك می کند. یکی از زمینه های امکان دخالت امریکا در قفقاز کمك به فعالتر شدن حرکتهای ضد روسیه می باشد. اسلام گرایان جزو جنبشهایی هستند که ویژگی ضد روسیه بطور ریشه دار در لایه های مردمی جامعه شان رسوخ کرده است. دخالت پنهانی امریکا با کمکهایی از طریق گروههای وهابی عربستان، پاکستان و حتی طالبان فراهم می شود. اگر دخالت امریکا طبق تحلیل بالا صحّت داشته باشد، بر وابستگی اصل جنبشهای اسلامی به امریکا دلالت ندارد چرا که حرکت اسلامی این مناطق ریشه دار و

تاریخی است و امریکا فقط در روند جنبشها اثرگذار می باشد.

روزنامه پراودا در چگونگی دخالت آمریکا در ناآرامیهای منطقه ضمن اشاره به اینکه بر خلاف سالهای 1991 تا 96 که فعالیتهای مسلحانه ضد روسیه در مناطق منظور نظر عمدتاً تحت شعار ملی گرایی لائیك صورت می گرفت، اما اکنون نقش وهابیون اسلامی افزایش یافته است آنگاه به حمایت انگلیس از وهابیون در قرن 19 اشاره می کند که موجبات حاکمیت وهابیت به عربستان سعودی را فراهم کرد، لیکن با تضعیف شدن انگلیس، این بار آمریکا تبدیل به پشتیبان عربستان سعودی شد. پراودا نمونه حمایت آمریکا از عربستان سعودی و وهابیت را جنبش افغانی طالبان ذکر کرده و می افزاید: «توسط سازمان سیا همراه با پاکستان و عربستان سعودی از طالبان حمایت می شود.» در ادامه این روزنامه می افزاید: «رشد وهابیت و توسعه جنگهای ضد روسی در شمال قفقاز را نباید جدا از برنامه های واشنگتن برای کنترل منابع سرشار انرژی دریای خزر که منطقه منافع حیاتی آمریکا اعلام شده است در نظر گرفت. طبق اطلاعات بدست آمده در نظریه جدید آمریکا امکان وقوع جنگ منطقه ای در حوزه دریای خزر در صورتیکه روسیه به اقدامات تهدید آمیز در حق جمهوریهای شوروی سابق متوسل شود پیش بینی شده است.».

این نشریه می افزاید به بهانه ایجاد صلح در منطقه مابین ارمنستان و آذربایجان و حفظ خط لوله نفت و گاز ناتو نیروهای خود را به منطقه وارد خواهد کرد.([36])

2 ـ سرچشمه گرفته از اعتقادات دینی:

1 ـ 2 ـ وهابیت:

همانگونه که ذکر شد وهابیگری در شکل گیری اندیشه بخشی از گروههای مسلمان مؤثر افتاد واین عده در ایجاد جنبشهای فکری مسلمانان نقش فعال ایفا کردند. قالبهای فکری وهابیت از طریق طالبان در اثر ارتباط مرزی در تاجیکستان و ترددهای طرفین، همچنین به طرق دیگری مانند رفت وآمد به عربستان سعودی، شرکت در مراسم حج، توزیع کتب وهابیت، آموزش دیدن توسط وهابیون و... رسوخ کرد. نشانه های متعددی از ارتباط وهابیون با درگیریها به چشم می خورد که قابل تردید نمی باشند. حتی دبیر کل رابطة العالم الاسلامیه عربستان سعودی که وظیفه ترویج بین المللی وهابیت را بعهده دارد اظهار کرده است برای جلوگیری از اصولگرایی اسلامی باید وهابیت را ترویج کرد.

هنگامی که اولین نشانه های درگیری در مرزهای چچن و داغستان در سال 1377 بروز کرد. اصلان مسخدوف رئیس جمهوری چچن در یك برنامه تلویزیونی حاضر شد و اعلام کرد وعاظ این گروه ـ عاملین درگیری در مرز با داغستان ـ از کشورهای عربی می آیند و از مردم می خواهند که دست به جنگ بزنند و آدم ربایی ها را نیز توجیه می کنند. مسخدوف از مردم خواست در مقابل جنبش «وهابی» مقاومت کنند.([37])

یکی از اقدامات تبلیغی وهابیون چاپ کتابی به نام «مبارزه ما» می باشد که انعکاس وسیعی پیداکرد. کتاب در تیراژ 5 هزار نسخه با هدف آموزش رزمندگان وهابی قفقاز و در اکراین به چاپ رسید. محمد تقیف نویسنده کتاب که یك وهابی تندرو می باشد نوشته است. «روسها باید از شهرهای رستوف، تزارتیسن، هشترخان، تاگانروگ، دریاهای آزف، خزر و سیاه دست بکشد ما از داغستان تا مسکو و کرملین را محو خواهیم کرد... کاری خواهیم کرد که از ترس ما خون در رگهای دشمن منجمد شود.».([38])

در پی گسترش و غیر قابل کنترل شدن درگیریها ایندیپندنت از قول «صالح هرانت» که او را سخنگوی دولت چچن در خارج معرفی می کند نوشت: وهابیون از پایگاهشان در دانشگاه مدینه واقع در عربستان سعودی در حال اعمال نفوذ و تأثیرگذاری روی اهالی منطقه قفقاز هستند... آقای امیر الخطاب در رویدادهایی که

پی آمد جنگ در افغانستان بود شرکت کرده است. وی یکی از وابستگان اسامه بن لادن، تروریست میلیونر محسوب می شود و با عناصر دنیای اسلامگرایان رادیکال دارای ارتباطات مستحکم است. او به همراه مبالغ هنگفتی پول; تعداد کثیری رزمنده عمدتاً از اهالی افغانستان، الجزایر، تاجیکستان و کشورهای عربی، تجهیزات و لوازم آموزشی و مسلك و ایدئولوژی خشك و انعطاف ناپذیر وهابیت وارد چچنستان شده. رواج و نفوذ وهابیت در چچنستان و داغستان طبق الگویی آشنا صورت می گیرد. در مساجد، در بین گروههای دانشجویی و در مراکز اسلامی در اقصی نقاط جهان، فارغ التحصیلانی یافت می شوند که در دانشگاه مدینه یکی از کانونهای تبلیغ و رواج مذهب وهابیت، تحصیلات و آموزش رایگان دیده اند. روزنامه ایندیپندنت در ادامه می نویسد: وهابیها برای نخستین بار یك یا دو سال پیش به درون دهکده ها نقل مکان کردند و حیطه قضایی روسها و اقتدار مرجعیت محلی فتوا دهندگان اسلامی را مردود شناخته و از رعایت اصول و احکام آنها سرپیچی کردند حتی مفتی داغستان بر علیه آنها فتوا صادر کرد.([39])

به نوشته روزنامه اکونومیست «این تفکر در بین خانواده ها دو دستگی و حتی خشونت به بار آورده است. اما وهابیت با احداث مساجد و اختصاص بورسهای تحصیلی بویژه در میان جوانان، پیروانی برای خود دست و پاکرده اند... وهابیها در ابتدا از در صلح وآشتی وارد شدند و بر تعداد کمی از روستاهای داغستان مسلط شدند و جوامع جدیدی تشکیل دادند که تعبیر خشك آنها از اسلام در این جوامع دنبال می شد... در سال 1997 مقامهای داغستان وهابیگری را غیر قانونی اعلام و تعدادی از رهبران جنبش را بازداشت نمودند. بعضی از این رهبران با او یا بدون پیروان خود به جمهوری همسایه یعنی چچن گریختند.([40])

همانطور که ذکر شد بنابر اظهار نماینده سابق صداوسیمای ج.ا.ایران در مسکو طبق آمار رسمی دولت روسیه و سازمان جاسوسی این کشور و همچنین اظهارات و افشاگریهای مجامع و مقامات مذهبی روسیه در جمهوری خودمختار داغستان و جمهوری چچنستان فعالیت وهابیها توسط عوامل پاکستانی و عربستانی ترویج و تبلیغ می شود.

رایزن فرهنگی سابق ج.ا.ایران در ازبکستان هم معتقد است پول وهابیها در فعال کردن اسلام گرایان

ازبکستان بکار می افتد; اگرچه ممکن است در حال حاضر فکر وهابیون نقش اول و عامل جهت دهنده فکری نداشته باشند; اما به هر حال عامل حرکت دهنده شده و به مرور در جهت دهی آنها نیز مؤثر خواهد افتاد. بنابر اظهار ایشان به علت نفوذ وهابیت، طرفداران ج.ا.ایران در ازبکستان چشمگیر نمی باشند.

وی همچنین تحت تأثیر قرار داشتن جمعه نمنگانی یکی از رهبر جریانات اسلام گرایی دره فرغانه ازبکستان از وهابیون را تایید می کند. در اوت 1999 درگیریهایی در نمنگان بوقوع می پیوندد. در این حادثه تعدادی از روستاهای منطقه باتکن قرقیزستان تصرف و عده ای از جمله چهار زمین شناس ژاپنی و یك ژنرال وزارت کشور قرقیزستان به گروگان گرفته شدند. مهاجمانی توسط حکومت قرقیزستان و ازبکستان سرکوب می شوند. این مبارزان علیه اسلام کریم اف اعلام جهاد کرده اند.([41])

یکی دیگر از رودررویی های اسلام گرایان با حکومت ازبکستان باز هم در نمنگان رخ داد که منجر به کشته شدن رئیس پلیس آن شهر و چند مأمور نظامی شد و در پی آن موج جدیدی از خیزش اسلامی و اعتراض و فشارها و... آغاز شد و عابدی قاری که رهبر این جریانات بود تحت کنترل قرارگرفته. در مسجد محل امامت وی جوانان نمازگذار به ظواهر وهابی تظاهر دارند بویژه در موضوع جهر به آمین در نماز، محاسن بلندگذاشتن، اکتفا کردن به دو رکعت نماز جمعه، عدم اقامه نوافل و اعراض از برخی مستحبات و نوافل در مذهب حنفی،... در حالیکه این گروه از انتساب خود به وهابیون خودداری می کند.([42])

لازم است توضیح داده شود که فعالیتهای طالبان، مبلغین پاکستانی و حتی برخی کشورهای عربی همچون امارات متحد در قالب و چارچوب اهداف وهابیون قرار می گیرد.

2 ـ 2 ـ رهبران دینی سنتی:

علمای دینی غیر دولتی که رهبران صوفی مسلك هستند در جای جای جمهوریها نفوذ دارند. دهها و بلکه صدها سال مبارزه و مقاومت در مقابل روسهای متجاوز را رهبری کرده اند و ریشه در اعماق دل مردم دوانده اند. طبق آمار بدست آمده بیش از نیمی از مسلمانان معتقد چچن و اینگوش عضو یکی از سلسله های صوفیه می باشد لهذا می توان گفت در حال حاضر تعداد اعضای سلسله های صوفیه میان150/000 تا 200/000 نفر است.([43])

اینها نیروهای نظامی مردمی چچنها را در جنگ با روسیه تشکیل می دهند و پشتیبان رهبران مبارز ملی می باشند. روسلان خازبولاتف رئیس پارلمان پیشین روسیه که خود چچنی الاصل بوده و از مخالفین رهبران چچنهای استقلال طلب بویژه مخالف جوهر دودایف رئیس جمهوری سابق چچن می باشد در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری ج.ا.ا تصریح می دارد که: چچن یك جمهوری مسلمان نشین است و نفوذ روحانیون در آن از برد وسیعی برخوردار است و در همسایگی کشورهای اسلامی قرار دارد.([44])

مجلة «ونگ» چاپ مسکو در 1998 می نویسد: «انقلاب چچن راگاهی انقلاب رقصان نیز می نامند. هر حادثه مهم در گروزنی از مراسمی علنی گرفته تا عملیات نظامی، معمولاً با رقص مذهبی درویشهای طرفدار فرقه نقشبندیه همراه بود.».([45])

در تاجیکستان که بارزترین مرکز جنبش اسلامی در آسیای مرکزی می باشد صوفیها نقش بارز داشته اند. «بوشکوف» و«میکوسکی» نویسندگان کتابی تحت عنوان «تاریخچه جنگ داخلی در تاجیکستان» به این امر اشاره دارند که اعضای قشر اشرافی آسیای مرکزی به نام «ایشان» یعنی روسای برادرهای صوفی اساس محافل رهبر اپوزیسیون تاجیکی را تشکیل می دهند. از نظر وهابیون پایبندی به تصوف با احکام اسلام مغایرت دارد، مالاً اپوزیسیون تاجیکی را نمی توان وهابی خواند.([46])

الکساندر بینگسن در کتاب «مسمانان شوروی گذشته، حال و آینده» ضمن اینکه می نویسد بر اساس بررسیهای اخیر (1979) اهالی شمال قفقاز به ویژه چچنها از دیگر مسلمانهای شوروی سابق مذهبی ترند وتبعید و آوارگی توسط روسها بر رشد روحیه مذهبی آنها مؤثر افتاده و موجب بوجود آمدن اسلام محافظه کاریی شده است که سلسله های صوفیه نقش شگرفی در این امر داشتند; می افزاید کلیه نهضتهای مقاومت

عمده در برابر تهاجم و سیطره روسها توسط صوفیان برانگیخته و هدایت شده اند.([47])

در مناطق بحرانی قفقاز و آسیای مرکزی رهبران سیاسی و نظامی تحت تأثیر اندیشه ریشه دار علمای یاد شده مبارزات خود را هدفمند کرده و پیش می برند. حتی اگر رهبران سیاسی گرایشات قومی و ملی داشته باشند از دایره نفوذ نسبی علمای دینی سنتی خود خارج نمی باشند.

خاطرنشان می شود که اکثر علمای مبارز این جمهوریها بویژه در آسیای مرکزی گرایشی به اسلامی همسو با انقلاب اسلامی دارند; از تاجیکستان و رهبران حزب نهضت اسلامی می توان مثال بارز آورد، اگر چه در تاجیکستان عامل زبانی نیز در احساس تعلق و نزدیکی به ج.ا.ایران مؤثر است. لیکن جایگاه انقلاب اسلامی ایران در این منطقه با سابقه مبارزه ایی علیه رژیم سابق پادشاهی، مقاومت در برابر آمریکا و ابرقدرت شرق و غرب، حمایت از فلسطین و شعارهای آرمانی مسلمانان جهان، منزلتی به انقلاب اسلامی داده است که همچون انقلابیون مسلمان جهان; این منطقه نیز خود را همسو با انقلاب اسلامی ایران قرار می دهد; بویژه اینکه تعلقات تاریخی و فرهنگی نیز براین نزدیکی استحکام بیشتری می بخشد. موارد گوناگونی از تمایل مسلمانان و ملی گرایان قفقاز و آسیای مرکزی پیشتر بیان شد. در اینجا فقط از خیزش مسلحانه وادی فرغانه یادی می کنیم که رهبر آن «جمعه نمنگانی» است. وی از شاگردان سیدعبد ا نوری رهبر حزب نهضت اسلامی تاجیکستان است و از ایشان اطاعت می کند. آقای نوری نیز با انقلاب اسلامی نزدیك بوده و حتی وی را متهم می کنند که شیعه شده است. حلقه تأثیرگذاری سلسله وار موجب شد در حل مسئله بحران گروگانگیری گروه جمعه نمنگانی در دره فرغانه، از ج.ا.ایران کمك خواسته شود.

گفتنی است حلقه های طریقتهای صوفیه که رهبران سنتی و روحانیون مردمی را تشکیل می دهد تحت تأثیر عوامل گوناگون سیاسی، محلی، قومی و جغرافیای فکری، شاهد تحولات و دگرگونیهای درونی شده اند که برخی به اصولگرایی اسلامی نزدیکتر و برخی به محافظه کاری و سنتی وابسته تر شده اند. بعنوان مثال پس از اینکه حزب نهضت اسلامی تاجیکستان بصورت تمام عیار درگیر مسایل سیاسی، مبارزات حتی برون مرزی و ارتباطات بین المللی شد، زمینه های اصولگرایی اسلامی را کسب کرد. از حزب نهضت اسلامی شاخه روسیه

نیز می توان به عنوان نمونه دیگری نام برد. اما گروههایی از اسلام گرایان همچون گروه جمعه نمنگانی و دیگر تشکلّهای اسلامی دره فرغانه چون در چالشهای سیاسی و حکومتی وارد نشده اند و با اندیشه نظام یافته و همه جانبه اسلامی آشنا نیستند، چهره ای خشن و بنیادگرایی متعصبانه پیدا می کند.

تجزیه اجزاء ارگانیسم فکری جنبشهای اسلام گرا

همانگونه که اشاره شد نحله های گوناگونی در بوجود آمدن اندیشه جنبشهای اسلام گرایان مؤثر افتاده است. از وهابیون، اصولگرایان متمایل به انقلاب اسلامی ایران، روحانیون سنتی متعلق به طریقتهای صوفی و ملی گرایان نام برده شد. اما سخن در این است که هیچکدام از سبکهای مذکور بطور مطلق بر گروههای مسلمان مسلط نیستند به بیان دیگر اگر درون فکری گروهها و یا رهبران جنبشها را بشکافیم خواهیم دید که به معنای واقعی و همه جانبه وهابیت و یا انقلاب اسلامی ویا صرفاً ملی گرایی و اصولگرایی و غیره نظام اندیشه شان را تشکیل نمی دهد. در مجموع هیچکس نمی تواند ادعا کند که فقط یکی از انواع عقاید گفته شده حرف آخر را می زند; بلکه چه بسا یك رهبر دینی از لحاظ اعتقادی گرایشات اصولگرایانه داشته باشد و اما از لحاظ سیاسی تمایلات و رفتار ملی گرایانه اتخاذ کند. همچنین مواردی را می توان شاهد آورد که از منظر فکری و اعتقادی وهابی است اما از لحاظ سیاسی در جناح انقلاب اسلامی ایران قرار می گیرد. همانگونه که پیشتر اشاره رفت رهبر وقایع دره فرغانه «جمعه نمنگانی» از کسانی است که می توان گفت از لحاظ اعتقادی تا حدودی تحت تأثیر وهابیت و از لحاظ سیاسی در قلمرو تأثیر انقلاب اسلامی ایران است.

در این سو، در قفقاز شامیل باسایف با اهداف ملی ـ اسلامی به علت نفرت از روسها دست به قیام زده و از چچن به داغستان حمله کرده سعی دارد همفکران آن سوی چچنستان را تحریك کند. اما در کنارش امیر الخطاب از یك کشور عربی با اعتقاداتی وهابی وی را همراهی می کند و در جنگ با روسها یکی از رهبران چریکها محسوب می شود، به همین دلیل است که اصلان مسخدوف رئیس جمهوری چچن وسخنگوی حکومت وی، شامیل باسایف و دیگرانی را که از چچن به داغستان حمله کردند، وهابی می نامد حال آنکه مسخدوف یك فرد ملی گرای مسلمان است. چنین پیچیدگی روابط گروههای فکری مسلمان خود نشان از نهادینه نشدن روش اعتقادی واحد در گروهها می باشد.

موارد دیگر را باز از دره فرغانه می توان مثال آورد. عابدقاری یکی از رهبران شورش مسلمان در دره فرغانه شناخته می شود. شورشی که موجب شد رئیس پلیس شهر نمنگان و چند مأمور نظامی کشته شود. به گزارش میدانی رایزن فرهنگی ج.ا.ایران در ازبکستان در مسجد عابد قاری جوانان در عین اینکه تظاهر به ظواهر وهابی داشتند بویژه در موضوع جهریه آمین در نماز، محاسن بلند گذاشتن، اکتفاکردن به دو رکعت نماز جمعه وعدم اقامه نوافل، اعراض از برخی مستحبات و نوافل در مذهب حنفی... اما در عین حال از انتساب خود به وهابیون خودداری می کردند.([48])

یا طاهرجان یولداشف امام مسجد «صحابلی» در بخش کهنه تاشکند شهر تاشکند که منتسب به وهابیها بوده در عین حال علاقمند است به ایران سفر کند.([49]) بنابر اظهار رایزن فرهنگی سابق در ازبکستان چون شناخت صحیح از وهابیت وجود ندارد همچنین به علت نفوذ اندیشه های دیگر اعراب مسلمان در منطقه اکنون به مخالفان حکومت ازبکستان گروههای تحریری نیز نام می گذارند. همانگونه که قبلاً بیان شد. حزب التحریر در این منطقه پرآشوب سابقه تبلیغاتی داشته است. با توجه به اینکه در بین گروههای مبارز مسلمان در منطقه فرغانه، دختران و زنان مسلمان هم حضور دارند بعید بنظر می آید که آنها وهابی بوده ویا کاملاً تعلیمات وهابیت را پذیرفته باشند.

وجه دیگر تأثیرپذیری مسلمانان مبارز این مناطق از نحله های گوناگون اسلامی را می توان مرحله ای نام نهاد. بعنوان نمونه می توان از زمینه سازی مبلغین حزب التحریر در دره فرغانه مثال آورد. هنگامی که با تعلیمات این گروه آمادگی پذیرش وسیع اسلام بوجود می آید; آنگاه وهابیون پیدا می شوند وبا حمایتهای مالی پشتیبانیهای لازم را بعمل آورده وزمینه نفوذ اندیشه وهابی را فراهم می کنند. چنین وضعی را می توان در قفقاز ترسیم کرد. پس از اینکه رهبران مسلمان اصولگرا و سنتی سالیان متمادی دینداری را حفظ و اسلام را ترویج کردند; هنگام تبدیل شدن به جنبش فراگیر احتیاج به کمك های گوناگون مالی پیدا می شود به خودی خود و به ناچار در این برهه دست به سوی هر کمك کننده ای دراز می شود حال اگر ج.ا.ایران دست رد به سینه آنها بزند ناچار به منبع دیگری از جمله وهابیون روی خواهد آورد. با این حال نمی توان مدعی شد که چون از منبعی که وهابی است کمك دریافت شده است پس خود آنها نیز جامه فکری وهابیت به تن کرده اند.

روزنامه نزاویسیهایاگازتا چاپ مسکو در 1998 نوشت: «... بعد از روی کار آمدن جوهردودایف، اداره روحانیت منحل شد و روحانیون محلی غیر دولتی که از صوفیان قادریه بودند روی کار آمدند و بعد از آغاز جنگ چچن با روسیه روابط دودایف با این گروه محکمتر شد چون اسلام متحد کننده چچنها در مبارزه با روسها می شد. بعد از مدتی رقبایی این روحانیون محلی را تهدید کرد. احمد قادروف مفتی چچن ـ باشقیرستان به خبرنگار نزاویسیهایاگازتا گفت: در زمان جنگ در چچن دسته های وهابیون داوطلب از کشورهای عربی پیش ما می آمدند. این دسته ها به خوبی مسلح بودند و به همین دلیل چچنها با رغبت به آنها می پیوستند. بسیاری از آنها با مکتب ما آشنا شده وسپس ادعا کردند که ما اسلام را تحریف کرده ایم. وی گفت: ما مدت زیادی می خواستیم واقعیت را نادیده بگیریم و ادعا می کردیم مسئله وهابیت در جمهوری وجود ندارد و سعی می کردیم با مسالمت با وهابیون به توافق برسیم اما متأسفانه این دیالگ برقرار نشد.».([50]) البته بکار بردن اتهام وهابیت یك شگردی است که جواز سرکوب اسلام گرایان مبارز را فراهم می کند چراکه بسیاری از اندیشه های وهابیت با اندیشه های طریقتهای صوفیانه که در جای جای آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ دارد مغایرت دارد و لذا وهابیت پذیرفته شده نیست و مطرود و منفور است. حتی در زمانی که هنوز درهای شوروی باز نشده بود و اندیشه وهابی بعنوان تهدید کننده رژیم و حکومت در این سرزمینها مطرح نبود باز هم مسلمانان مبارز وهابی معرفی می شدند. این امر نشان می دهد مغایرت وهابیت و اسلام رایج در بین علما و مردم این سرزمین به دلیل گفته شده مورد توجه حاکمان بوده و برای بهره برداری سوء بکارگرفته می شد. حکومت تاجیکستان هم برای سرکوب مخالفان آنها را وهابی می نامید... تورجان زاده ـ یکی از رهبران اپوزیسیون تاجیك ـ می گوید اصطلاح وهابیون مخصوصاً توسط ک.گ.ب راه اندازی شده بود تا در میان مردم متدین تفرقه ایجاد شود... احمد قاضی اختایف، یکی از بزرگترین فقهای اسلامی روسیه مدتی قبل از وفاتش گفته بود: این یك برچسب است که افراد جاهل به گروههای مسلمانان می زنند که با هم دیگر تفاوت قابل توجهی دارند. در حقیقت هر کسی از روحانیت رسمی انتقاد می کند او را وهابی می نامند.».([51])

البته باید گفت افکار عمومی و حتی بسیاری از دست اندرکاران جریانات سیاسی در سطح شوروی از وهابیت، اصولگرایی، بنیادگرایی و تفاوتهای این مفاهیم شناخت صحیحی ندارند و هر کسی بر اساس برداشت خود نامگذاریهایی بعمل می آورد و اگر مقبول نظر تشخیص داده نشود وهابی نامیده می شود. «روتارایگور» طی مقاله ای در روزنامه نزاویسیایاگازتا، چاپ مسکو در 1998 می نویسد: «وهابیون چه

کسانی هستند. در ازبکستان هر کس از پرداختن به جزئیات علوم الهی خودداری کند ولی بطور متعصبانه به احکام اسلامی پایبند باشد وهابی حساب شده اند... در داغستان همه طرفداران جدایی قهری داغستان از روسیه را که در واقع حتی با اصولگرایان ارتباط نداشتند وهابی اعلام شده اند. به عنوان مثال مقامات داغستان کتاب «مبارزه من یا ارتش امام» را به ملابهاء الدین یکی از رهبران اصولگرایان داغستان نسبت داده اند حال آنکه نویسنده واقعی آن کسی به نام محمد تقیف است. این شخص با گروههای اصولگرا ارتباطی ندارد.» .([52])

باز در مقاله دیگر چنین اشتباهی تکرار شده است، آنهم در روزنامه پرتیراژ و مهم نزاویسیایاگازتا چاپ مسکو در 25 سپتامبر 1999 (3 مهر 1378). این امر نشان می دهد که بعد از گذشت مدت مدیدی از ناآرامیها و در گیریها منطقه قفقاز و آسیای مرکزی هنوز قشر روزنامه نگار که خود اطلاع رسانان و آگاهان جوامع جهانی محسوب می شوند، نتوانسته اند مفهوم وهابیت و اسلام گرایی از نوع انقلاب اسلامی ایران را تشخیص دهند و در مقاله چنین عنوان می کند: «از سالهای دور فرستادگان ویژه اسلامی عربستان سعودی و ایران بطور جمعی راه رخنه در جمهوریهای آسیای مرکزی را در پیش گرفته اند... همانگونه که در شماره های گذشته روزنامه اشاره گردید در جنوب این جمهوری ـ قرقیزستان ـ مبلغین وهابی محلی از ایران، عربستان، پاکستان و سایر کشورهای مسلمان فعالیت گسترده ای را آغاز کرده اند».([53])

از سوی دیگر باید به این مسئله توجه داشت که وارد شدن اندیشه های گوناگون اسلامی در این سرزمین تقریباً به پس از فروپاشی شوروی بازمی گردد پس زمان بسیار کوتاهی را سپری کرده ایم; بنابراین هنوز هیچکدام از سرمنشاءهای اندیشه در ترویج عقیده و کادرسازی کامل نشده اند و اندیشمندان نخبه که عموم مردم آنها را بپذیرند تربیت نکرده اند لذا تفکیکی کامل از این عقاید بوجود نیامده و جناحهای روشنی از آنها شکل نگرفته است. می توان با قاطعیت اعلام کرد که اگر چنین مواضع شکل بگیرد و وهابیت صراحتاً تبلیغ گسترده ای انجام دهد، زمینه های جنگ فرقه ای را فراهم کرده است و درگیریهای عمده داخلی آغاز خواهد شد.

دراین بخش لازم است گفته شود که چون مردم از تعالیم اسلام دهها سال دور مانده اند برای همین برداشتهای ناقصی از دین دارند و گاهی مسایل قومی، سنتی و خرافی را به اسلام نسبت می دهند در نتیجه هر گروه فکری مسلمانی پاپیش گذارد و اقدام به تبلیغ کند، به هر وجهی که باشد، پذیرفته شده و به آن عمل می گردد. باتوجه به اینکه فرهنگ مریدی به سبك طریقتهای صوفیه همچنان مؤثر و باقی است; بنابراین تلاش در به اجزاء در آوردن تعلیم کسب شده تبدیل به اقدامات بعضاً خشن و غیر اصولی می شود. طاهر ملك روزنامه نگار مسلمان ازبك در اردیبهشت ماه سال 1377 در مقالات با رایزن فرهنگی ج.ا.ایران در تاشکند می گوید: عملکرد جوانان مسلمان بهانه ای شد که آنها خطرناك و وهابی معرفی شوند. آنها عقاید اسلامی را کامل فرا نگرفته اند و اخلاق اسلامی را خوب نمی دانند، با درشتی و اخلاق ناپسند احکام اسلامی را بیان می نماید. چنان رفتاری موجب دخالت دولت شد.

منابع و مآخذ

1 ـ آوتورخانف. آ; مسئله اقلیتهای ملی در شوروی; فتح اله دیده بان; تهران; انتشارات وآموزش انقلاب اسلامی; چاپ اول; 1371

2 ـ بنیگسن. الکساندر; مسلمانان شوروی گذشته حال وآینده; کاوه بیات; تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی; چاپ اول; 1370

3 ـ تراب زاده. منیژه و دیگران; ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز; تهران; موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه; چاپ اول; 1373

4 ـ اسلام و مسلمین روسیه; ش2; مسکو; سفارت ج.ا.ایران; 28/8/77 (بولتن محرمانه)

5 ـ رویدادهای ایران و جهان; ش 1768; تهران; اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی; پنجم مهر 1378 (بولتن)

6 ـ رویدادهای ایران و جهان، ش 1771، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 26/7/78، (بولتن)

7 ـ رویدادهای ایران و جهان، ش 1772، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 3/7/78 (بولتن)

8 ـ گزارشهای واصله از رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در ازبکستان و تاجیکستان.

9 ـ گزارشهای واصله از سفارت ج.ا.ایران در مسکو

10 ـ روزنامه های ابرار، اطلاعات، جهان اسلام، رسالت، سلام، کیهان

11 ـ مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

12 ـ بانك اطلاعات کامپیوتری اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

([1]).بیگین، الکساندر; مسلمانان شوروی; کاوه بیات; تهران; انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی; سال 1370; ص.ص 116 ـ 111.

([2]).همان منبع.

([3]).آورتورخانف، آ; مسئله اقلیتهای ملی شوروی; فتح اله دیده بان، تهران; انتشارات وآموزش انقلاب اسلامی; چاپ اول، 1371.

([4]).همان مأخذ ص132.

([5]).همان مأخذ ص132.

([6]).بینگسن الکساندر; مسلمانان شوروی گذشته، حال وآینده; کاوه بیات; تهران; دفتر نشر فرهنگ اسلامی; چاپ اول 1370.

([7]).همان منبع.

([8]).مسئله اقلیتهای در شوروی ص150.

([9]).نعیمی پور. م; اسلام در سرزمین های شمالی; روزنامه سلام; ش 522، 16/12/71; ص12.

([10]).مسلمانان شوروی، گذشته، حال وآینده; ص68.

([11]).همان; ص122.

([12]).مسلمانان شوروی گذشته، حال وآینده

([13]).رویدادهای ایران وجهان، شماره 1771، تهران، اداره کل مطبوعات ورسانه های خارجی وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، 26/7/78 (بولتن)

([14]).تراب زاده; منیژه ودیگران; ماهیت تحولات در آسیای مرکزی وقفقاز; تهران; موسسه چاپ وانتشارات وزارت امور خارجه; چاپ اول; 1373; ص174.

([15]).همان، ص175.

([16]).مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده، ص122.

([17]).جهان اسلام، ش316، 15/4/71; تهران.

([18]).رویدادهای ایران وجهان، شماره 1772، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی. 3/7/77 (بولتن)

([19]).ابرار، ش 2018، مورخ 1/8/74، تهران

([20]).گزارش واصله از وزارت خارجه ج.ا. ایران.

([21]).بولتن محرمانه اسلام ومسلمین روسیه، ش2; 28/8/78; سفارت ج. ا. ایران در مسکو.

([22]).اسلام ومسلمین روسیه، ش2. مسکو; سفارت ج. ا. ایران، 28/8/77 (بولتن)

([23]).روزنامه جمهوری اسلامی، ش4273، مورخ 5/12/72; به نقل از روزنامه سحر چاپ باکو.

([24]).جمهوری اسلامی; ش3692; 8 اسفند 1370.

([25]).گزارش سفارت ج. ا. ایران در مسکو به نقل از شبکه تلویزیونی روسیه در 8/3/71.

([26]).آکادمی اسلامی دمشق مدتی است از سوی حکومت سوریه تعطیل شده است.

([27]).حزب التحریر منشاء اردنی دارد وبطور کاملاً مخفی فعالیت می کند. این حزب معتقد به ایجاد حکومت جهانی و اسلامی است.

([28]).ابرار، مشاره 3206 مورخ 9/9/78.

([29]).گزارش واصله از وزارت امور خارجه ج.ا. ایران.

([30]).اطلاعات; ش1989; 5/2/72.

([31]).رسالت; ش2551; 9 آبان 73.

([32]).کیهان. ش15611، 21/1/75.

([33]).رویدادهای ایران و جهان، شماره 1771، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 26/1/78. (بولتن)

([34]).مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (اسناد موجود در بانك اطلاعات کامپیوتری).

([35]).اطلاعات، 24/7/78.

([36]).روزنامه پراودا، سوریکوف. آنتوان، (اسناد موجود در مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

([37]).کیهان; 25 تیر 1377.

([38]).مجله اکسپرس، باکو 1377 (اسناد مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي).

([39]).رویدادهای ایران وجهان; ش 1768; تهران اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی; پنجم مهر 1378. (بولتن)

([40]).رویدادهای ایران و جهان، ش 1771، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 26/7/78. (بولتن)

([41]).رویدادهای ایران و جهان. ش 1768، همان.

([42]).گزارش میدانی رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران. در تاشکند; 1368.

([43]).مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده.

([44]).کیهان; ش 15220; 6 آذر 1373.

([45]).اسناد موجود در مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

([46]).روزنامه نزاویسیهایاگازتا، مسکو، 1998، ایگور. روتار، (اسناد موجود در مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

([47]).مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده.

([48]).گزارشی میدانی رایزن فرهنگی ج.ا.ایران از محل مسجد عابدقاری در ازبکستان.

([49]).گزارش ملاقات رایزن فرهنگی ج.ا.ایران در ازبکستان با نامبرده.

([50]).بانك اطلاعات كامپيوتری مركز اطلاع رسانی و خدمات رايانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

([51]).همان.

([52]).همان.

([53]).رویدادهای ایران وجهان، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 12/7/1378. (بولتن)